

فرصت‌های بزرگ در مالیه اسلامی

برگردان: زینت مقدس نیت - واحد ارزی مشهد

ریحانه شیرسوار - مدیریت شعب استان خراسان رضوی

منبع: Banker The

احمد محمدعلی، رئیس بانک توسعه اسلامی، در پایان نوامبر ۲۰۱۱ بار دیگر مطلبی را که از زمان آغاز بحران مالی سال ۲۰۰۸ بر آن تأکید کرده است تکرار کرد. به عقیده وی اصول مالیه اسلامی قادر است شدت و کثرت بحرانهای مالی را از طریق ارائه نظم بیشتر در سیستم مالی جهانی و ملزم کردن سرمایه‌گذاران به قبول یا سهیم شدن در ریسک به حداقل برساند.

نگاهی به عناوین تیترا در مورد مالیه اسلامی حکایت از صحت چنین ارزیابی دارد. در بررسی ۲۰۱۱ نشریه بنکر، دارایی‌های اسلامی حدود ۲۱/۵ درصد رشد داشته است و برای اولین بار به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار رسیده است. برعکس در بررسی ۱۰۰۰ بانک برتر دنیا توسط بنکر در جولای ۲۰۱۱، دارایی‌های سالانه فقط ۶/۴ درصد افزایش یافته است و این امر پس از کاهش حدود یک درصدی سال قبل روی داده است. هر چند ممکن است بانکداری مطابق با شریعت در تنوری متضمن مدل پایداری باشد که از افزایش تدریجی دیون در سیستم مالی جلوگیری می‌کند اما باز هم با همان محدودیت‌های مالیه متعارف مواجه است. اندازه و ثروت اقتصاد و جمعیتی که در آن زندگی می‌کند و میزان نفوذ خدمات بانکی در این بازارها، احتمالاً فضای رشد بیشتری را به وجود می‌آورد.

نگاهی به چند نمونه:

موقعیت بحرین به عنوان یکی از مراکز عمده مالی بین‌المللی برای بانکداری اسلامی و متعارف از جایگاه با ارزش از لحاظ نفوذ بانکی کاملاً روشن است. دارایی‌های بانکی بیش از ۵۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) است و حتی دارایی‌های مطابق با شریعت تقریباً ۲۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی است. این بازار یک بازار رشد یافته است که احتمال می‌رود چشم‌انداز تمایلات وسیع‌تری را در بخش مالی جهانی منعکس کند. دارایی‌های بانکی در سال ۲۰۱۰ به طور کلی تنها ۲/۲ درصد رشد داشته است. با این حال رشد دارایی اسلامی با تنها کمتر از ۲۹ درصد از این رقم بسیار بیشتر است. سؤال این است که آیا نرخ‌های رشد سریع در چنین بازار رقابتی ماندگار است؟

سودآوری ابزارهای مالیه اسلامی در بحرین حاکی از این است که پاسخ منفی است، مالزی و امارات متحده عربی، دو مرکز عمده دیگر برای مالیه اسلامی نیز دارای بخش بانکداری رشد یافته‌ای هستند که دارایی‌های بانکی از ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی تجاوز می‌کند. با این حال دارایی‌های مطابق با شریعت در هر دو کشور کمتر از ۳۰ درصد کل این رقم را شامل می‌شود. این آمار حاکی از این است که حتی اگر احتمال نمی‌رود اندازه بازار به طور کلی سریعاً گسترش یابد، هنوز امکان به دست آوردن سهم بازار می‌تواند وجود داشته باشد.

در سوی دیگر بنگلادش، با جمعیتی بالغ بر ۱۶۰ میلیون نفر، طبق جدیدترین نتایج بانکی قابل دسترس با توجه به کل دارایی‌های بانکی کمتر از ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی، عمیقاً دچار ضعف خدمات بانکی است. جالب اینجاست که این کشور با ۶۶ درصد کل دارایی‌ها، دارای بالاترین سهم دارایی‌های اسلامی در این گروه است. با این همه، بانک اسلامی بنگلادش، دومین بانک بزرگ کشور، کاملاً مطابق اصول شریعت فعالیت می‌کند و به تنهایی تقریباً ۲۰ درصد دارایی‌های بانکی کشور را در اختیار دارد، در حالی که نسبت بالای بانکداری اسلامی به این معنی است که در بنگلادش امکان بالقوه ربودن سهم بازار از بانک‌های متعارف محدود است، نفوذ به طور کلی پایین خدمات مالی حاکی از این است که اگر شرایط اقتصادی با ثبات باشد برای تمامی بانک‌های این کشور امکان زیادی برای رشد وجود دارد. برای بانکهای اسلامی در کشورهایی که تنها سهم کمی از کل دارایی‌ها را در اختیار دارند هنوز هم جای امیدواری وجود دارد. در چندین کشور پرجمعیت با اکثریت مسلمانان از جمله اندونزی، ترکیه، مصر و پاکستان دارایی‌های مالیه اسلامی کمتر از ۱۰ درصد کل دارایی‌های بانکی را شامل می‌شود. از میان این کشورها، اندونزی، پاکستان و مصر با توجه به اینکه هر سه کشور کلاً دارای بخش‌های مالی نسبتاً کوچکی هستند، می‌تواند بسیار جالب توجه باشد. بخش بانکداری ترکیه رشد یافته‌تر است اما مطمئناً سودآوری کمتری ندارد. در سال ۲۰۱۰ بازده دارایی برای این بخش به طور کلی در میان بالاترین ارقام جهانی بوده است.

مجریان بانکداری اسلامی

حتی در کشورهایی که سرمایه‌گذاری اسلامی سهم کوچکی در بازار تجاری آنها دارد، لزوماً رونق اقتصادی در راستای آنچه مدیران عامل بانک‌های اسلامی به طور عمومی گزارش می‌دهند، نیست. با این وجود، مشتریان، تفاوت بین انواع خدمات بانکی ارائه شده در بانکهای مختلف را در نظر می‌گیرند. آنها هنوز سود حاصل از خدمات بانکی متعارف را مقایسه می‌کنند. این بدان معنی است که بانکهای اسلامی باید خدمات بانکی با نرخ سود مطلوب را ارائه دهند و به طور بالقوه سرمایه‌هایی که مطابق با شریعت تحصیل شده است را جذب، سازماندهی و کنترل کنند. این در حالی است که مؤسسات اسلامی سهم کوچکتري را در زمینه سرمایه‌گذاری برعهده دارند و این امر کاهش تنوع خدمات بانکی اسلامی را به دنبال دارد. گرچه به طور نظری باید ریسک تمرکز بر سرمایه‌گذاری‌هایی که تحت قوانین اسلامی جایز هستند، از طریق سطوح پایین تر سازمان تعدیل شود.

محدودیت‌های ارزیابی

حتی بانک‌های جهانی که بر استانداردهای بالای امنیت اطلاعات در عملیات بانکی رایج تاکید دارند از جمله بانکهای HSBC و Chartered Standard طرحهای به روزی را ارائه نمی‌دهند مگر در موارد قضایی که Amanah , Sadiq برای برندهای اسلامی خود بازرسان به بررسیهای جداگانه ای نیاز دارند. بانکداران اسلامی سعی بر آن دارند تا گزارش‌های شفاف تری را از چشم اندازهای اسلامی که برای مشتریان رضایت بخش تر است به دست آورند و با اصول نظم و یکپارچگی صنایع ارتباط بهتری برقرار کنند. هنگامی که چشم اندازهای اسلامی امکان دسترسی به داده‌های سودآور مجزا را فراهم می‌کنند، هرگونه ارزیابی سود حاصل از دارایی‌ها باید کاملاً بر پایه اصول مؤسسات اسلامی باشد. برای مؤسسات مالی اسلامی استفاده از اینگونه طرحها صرفاً اجرای آن را در شرایطی سودآور در عملیات بانکی رایج سبب می‌شود. از بین شرکت‌هایی که در اینجا ذکر شده اند، فقط مؤسسات مالی اسلامی در عربستان سعودی و بنگلادش نرخ بازده بالاتری نسبت به بخش بانکی به دست می‌آورند و تنها بانکهای اسلامی بنگلادش در مقایسه با بازارهای بانکی رایج و برجسته ای همچون ترکیه و اندونزی نرخ بازده بالاتری را دریافت می‌کنند. در پاکستان، نرخ بازده برای کل بخش بانکی در بالاترین رقم خود تقریباً معادل ۲ درصد است که این رقم با بانکهای اسلامی برابری می‌کند. در حقیقت در کشوری که بدترین نرخ بازده بانکداری اسلامی را دارد یعنی پاکستان و بحرین در مواردی در سال گذشته بالاترین نرخ رشد را برای دارایی‌های اسلامی داشته اند که معادل ۳۰ درصد بوده است.

نرخ رشد بالا و قابل ملاحظه در اندونزی، دارایی‌های اسلامی نسبتاً زیاد که طی بررسی امسال در حدود ۴/۶ درصد است، تا حدودی منعکس کننده پویندگی بخش بانکداری اسلامی می‌باشد تا جایی که دارایی‌ها در سال ۲۰۱۰ در حدود ۲۶/۸ درصد رشد داشته است اما بخش‌های دیگر می‌توانند به طور منظم زمینه گسترش چشم اندازهای اسلامی را به سوی ایجاد شعب مستقل فراهم کنند. در آینده ای نزدیک بخشی از دارایی‌های اسلامی به شعب بانکی منتقل می‌شوند و این در حالی است که ایجاد یک بانک اسلامی مجزا نیازمند اقتصادی سودآور است که رشد دارایی را به دنبال داشته است.